



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۱/۰۳

دوکتور صلاح الدین سعیدی

بنیاد خطاء در مذاکرات سیاسی جاری!

اگر مذاکرات سیاسی متمدن کردن مبارزه سیاسی است که است، گذشتن از خواست و آرزوی تحقق امارت اسلامی در افغانستان بعد از قربانی های متعددی طی دو دهه، خیانت به خون شهدا، معلولین و یتیمان است که رهروان حرکت طالب درین راستا داده اند. بر رهبران امروز طالب گذشتن ازین داعیه شان بخاطر کاغذ رنگ سبز به نام دالر، پلو، چلو و کباب ایکه در دوحه و قطر نوش جان میکنند و محسوس میشود که مذاکرات سیاسی را به همین هم دلیل هم که باشد، طویل کردند و طویل میکنند، خیانت و جفا است به امر جهاد و سایر مقدسات که این حرکت که تا امروز داشته است. حرکت طالب به همین خاطر کشتند، انفجار، انتحار کردند، فرصت توبهء من عاصی را که الله تعالی برای من داده بود با عمل انتحار از من گرفتند. هزاران کودک را یتیم و یسیر و زنان را بیوه و سنگسار کردند ولی حال قرار بعضی معلومات با تغییر نام، ازین داعیه میگذرند، و یا جانب مقابل مذاکرات شان از ایشان میطلبد که از امارت اسلامی بگذرند. از ایشان خواسته شده و متواتر خواسته میشود تا نظر خود را در مورد زنان، تعلیم و تربیه و آزادی مطبوعات تغییر دهند. اگر حرکت طالب به این خواسته ها توافق کند، با وجود اینکه مفتی شان کماکان همان است که بود، خیانت و تعدی خواهند کرد اگر در مورد تغییر کنند. این تغییر به آرمانهای شهدای شان و برای شان باید قابل قبول نباشد.

حکومت جمهوری اسلامی افغانستان در دودهه اخیر به خاطر جمهوریت و ارزشها که خود تصور میکرد و کشیده بود هزار ها هزار انسان را قربانی کرد و جامعه جهانی هم درین راستا قربانی داد و حال ازین ارزشها دارند میگذرند، شرف دارند، که این گذشتن هم خیانت خواهد بود و قابل قبول نیست.

نقطه و مرکز اساسی مذاکرات سیاسی باید توقف مرمی، راکت، انتحاری، بمباردمان و قتل و قتل شو و تمرکز براین که برای گرفتن مشروعیت امارت اسلامی عوض تمرکز از تیم 21 نفری و یا تلاش برای گرفت مشروعیت قانون اساسی موجود جمهوری اسلامی افغانستان ازین مذاکرات و از افراد بالغ و نابالغ، با سواد و بیسواد، افراد مجهول الهویه در قطر و دوحه نه مشروع است و نه اسلامی، نه عملی و هم نه درست. به یقین اکثریت قاطع مردم افغانستان مسلمان اند، انتخاب مسلمان هم در چوکات اسلام است و مرجع مشروعیت در قرن بیست و یکم هم ملت افغان و اراده ملت افغان است. علماء و روحانیون، پیشتازان و نخبه گان ملت را در انتخاب راه درست کمک خواهد کرد ولی حق تعویض ایشان را ندارند. حضرت اوبکر (رض) در سقیفه بنی ساعده توسط عام مسلمانان، حضرت علی کرم الله وجهه توسط ملت مسلمة انتخاب شده است و شورای به نام حل و عقد در عصر عباسیان چندین قرن بعدبه میان آمده است. تأکید بربر امارت اسلامی بدون وجود خلافت اسلامی بحث دیگری درین استقامت است که بحث بیشتر میطلبد. لذا هر نوع اختراع و هر نوع راهها کوتاه جدید نه مشروع و نه هم قانونی و نه هم به جای میرسد. پرامه به نام لویه جرگه هم مشروعیت ندارد. ما به جرگه تاریخی، مشورتی و ... مرجع مشروعیت قابل نیستیم. مرجع مشروعیت لویه جرگه تعریف شده توسط قانون اساسی کشور مدار اعتبار است. تغییر ارزشهای قانون اساسی از خود پروسیجرها و قواعد امتحان شده بشری دارند و اختراعات جدید درین عرصه هم قابل قبول نیستند. عصر بن و توافق بن هم اگر بنابر مقطع معین تاریخی یک نوع توجیه ضعیف داشت هم گذشته. بازگشت به آن خطاء و دور زدن ملت دیگر مجاز نیست.

میخواهم بگویم که اجندای توافق شده و در حال توافق و یا توافق نه شده برای مذاکرات صلح قطر و دوحه در بین طالب اجندای بالاتر از صلاحیت این تیم مذاکرات سیاسی، اجندای غیر مشروع برای مذاکرات شان و این نوع بحث بر اجندای و طریق کار به جای نمی رسد، مشروع نیست و ناکام میباشد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

اکثریت این مطالب مربوط به انتخاب ملت است و درین حلقه و تیم توافق برآن حتی نا ممکن و در صورت توافق خیانت به هویت و ارزشهای خویش خواهد بود. خیانت به خون شهدای شان خواهد بود است. این نوع طروق کاری مذاکرات ناکام، ادامه تراژیدی و صرف سبب ادامه پلو خوری در دوحه و قطر و ادامه استعمال خون و باروت در افغانستان است. چنین روش و چنین مذاکرات به صورت قطع ناکام است.

کشور ما افغانستان از لحاظ تاریخی 1/ دی یوره (دی جوره) و 2/ دی فکتو وجود داشت و دارد و مستندات کافی تاریخی در زمینه وجود دارند که حدود و ثغور طبیعی و تاریخی افغانستان را که از کجا تا کجا است هم روشن است. اینکه حال حاکمیت افغانی به زور و سوت ترور و دهشت، فریب و دوقه پاکستانی، فشار امریکا بر حاکمیت افغانی ازین حقایق و واقعیت ها و دفاع آن ساکت ساخته شده و اظهار نظر انکار نموده، ساکت است و به تجاوز و جنایت پاکستانی درین راستا سکوت اختیار کرده و یا به آن وادار شده قابل بخشش نیست. مردم و تاریخ چنین حکام را دیر و یا زود سنگ باران خواهند کرد.

ملت میداند و خوب میداند چه میگذرد و چه بزدلی ها و جفا در حق ملت و کشور در جریان است. بلی مذاکرات سیاسی مناظره نیست، بی هویت سازی نیست و گذشت از ارزشهای نیست که به خاطر آن قربانی داده شده است. چنین گذشت ها توهین به خون شهدا و معلولین و قربانیان این راه است. مصالحه سیاسی در چوکات مذاکرات سیاسی، به صورت حتمی توافق با جانب مقابل مبنی بر قبول اندیشه ها و افکار ایشان و یارد اصول و اعتقادات خود و لو در تضاد هم باشند در همه موارد نیست و بوده نمی تواند. درین رابطه مطرح کردن لویه جرگه مانند مرجع مشروعیت به صورت بعدی، بخاطر وارد نیست که ما لویه جرگه عنعوی، تاریخی، مشورتی داریم و مرجع مشروعیت در همچو موارد صرف و صرف لویه جرگه تعریف شده قانون اساسی است.

مصالحه و مذاکرات سیاسی تقویت مورال سرباز امارت و جمهوریت و ... تا با قوت تام به این باور مند شود که تمام راههای مشروع دیگر جهت رسیدن به آرمانهای نیک، خیر و درست خود را به کار گرفته و حال دیگر راه جز جنگ باقی نه مانده است.

دریک جمله مذاکرات سیاسی توافق براین است تا چطور عوض تفنگ و مرمی، انفجار و انتحار ملت تصمیم گیرنده اصلی شود و تعیین ارزش و تکلیف برای تمام عرصه های زندگی در جامعه و قواعد کاری و اصول زندگی در جامعه را مشروعیت تطبیق بدهد.

مصالحه سیاسی و مذاکرات در همین چوکات مناظر بر صحت و سقم برنامه و افکار حزب و سازمان، حرکت و جنبش نیست که این حرکت، حزب و جنبش برای تحقق آن کار میکنند. مرجع مشروعیت ملت است. بر میز مذاکرات سیاسی همچو مذاکرات به عنوان مناظر بر صحت و سقم برنامه های به صورت مطلق که به نحوی برای آن در چوکات قواعد کاری کار صورت میگیرند، خطاء، نادرست و ناکام اند و چنین طرز کار به جای رسیده نمی تواند و نمی رسد. اگر برسد هم مشروعیت نه خواهد داشت. کسانی که مذاکرات سیاسی را به همین استقامت و به چنین منوال به پیش میبرند از الفبای سیاست و اصول مذاکرات سیاسی خبر ندارند، بیسواد سیاسی اند. این روشهای شان یک عامل و سبب ادامه تراژیدی ملت شده و راه ادامه مدت پلو خوری خود را در دوحه و قطر تمدید میکنند. این روش سبب ادامه خونریزی بیشتر در افغانستان و منطقه میشود.

مذاکرات سیاسی توافق برین است تا چطور آتش بس شده و متقابل بدون تسلیم سلاح و مهمات خود برای یکدیگر و بدون تسلیمی به یک دیگر و بدون بی هویت سازی و بدون تحت ترحم و شفقت یکدیگر قرار گرفتن به ملت مراجعه کرده بتوانند و دریک انتخابات آزاد، شفاف و سراسری ملت را تعیین کننده اصلی مشروعیت تطبیق ارزشهای قبول شده جامعه بسازند، مشروعیت تطبیق نسخه های خود را از ملت بگیرند و در صورتیکه جانب از جوانب به اهداف خود نه رسید چهار سال انتظار بکشند و برای برنامه های خویش به صورت وسیع تنویر کنند و برای مشروعیت تطبیق آن مبارزه متمدن سیاسی و اسلامی نموده و علمای کرام و متفکرین و پیشتازان جامعه ملت را در انتخاب بهتر برای دور بعد تلاش کنند تا ملت ایشان را انتخاب کنند.

اگر کس به مسلمان بودن ملت خود و به انتخاب درست ملت باور ندارد و یا به خود باور ندارد که چیزی برای گفتن و قناعت دادن ندارند و رسیدن به اهداف خود را انفجار، انتحار و لوله تنگ تعیین و انتخاب کرده اند و حاکمیت را از امریکا، ایران و پاکستان در معامله در غیاب ملت میخواهند راه دیگر جز استعمال قوه، جنگ و تفنگ نمی گذارند. درین صورت باید جنگید و بر جامعه جهانی است که از شرف بگذرد و درین راستا ادای رسالت کند. گفتم ادای رسالت بخاطریکه جنگ افغانستان تنها جنگ افغانستان نیست بلکه جنگ و مجادله بشریت در مقابل ترور، دهشت و وحشت است که لانه های آن برای فعلاً توسط ای اس ای پاکستان ایجاد، تمویل و مساعدت همه جانبه شده و میشود.

تازمانیکه جهان به این اصول و این قواعد کاری مراجعه نه کند، مذاکرات صلح قطر، دوحه و هر جای دیگر به شیوه پیشبرده شده تا حال، ناکام و تراژیدی ملت افغان ادامه خواهد داشت. به یقین جهان نیز از آن محفوظ نه خواهد بود.

آب، چوب، درخت، سنگ، معدن، انسان و ... افغانستان در جنگ گدودي توسط پاکستان و ایران مورد استفاده رایگان قرار گرفته و در جنگ جنرالان شرارت ای اس ای پاکستانی جیب پرکرده اند و در صلح و استقرار ایشان به چنین امتیازات مادی دست نه خواهند یافت و از منافع سرشار طبیعی و انسانی افغانستان استفاده کرده نه خواهند توانست لذا صلح و استقرار از جی اچ کیو و استخبارت پاکستان و یا ایران و باتوقع خواستن اجماع از ایشان اصلاً ناممکن و در مخالفت با الفبای سیاست، ساده گی و حماقت سیاسی بیش نیست و ممکن نمی باشد.

لذا به عمق این قضایا باید پی برد و نه گذاشت دیگر مردم ما و مردم صلح دوست جهان قربانی چنین حماقت های سیاسی و فهمی شوند.

و در اخیر یگانه برنامه اولی و اساسی امروز استابلشمنت پاکستان نظام براندازی و نهاد براندازی در افغانستان است و زمانی که یک بار به چنین هدف نائل آمد و این برف کوچ به حرکت آمد در آن صورت در افغانستان همه دار و دار به صورت محسوس و غیر قابل کنترل به بیست سال گذشته برگشته و بعد پلان های بعدی پاکستان و شرارت به ضد مردم افغانستان، ضد صلح، ضد جامعه جهانی روی دست گرفته خواهد شد و آنزمان دیر خواهد بود که امریکا به خود آید و از اقتضای بیشتر خود جلوگیری کند. مردم افغانستان قیمت بیشتر خواهند پرداخت و تراژیدی ادامه خواهد داشت.

گذشته را باید به خاطر داشت، از آن آموخت و نباید به اصطلاح عامیانه (گذشته را صلوات) گفت. گذشته را خوب به خاطر داشت، نه برای انتقام بلکی برای حال و آینده از آن تجارب بدست آورد تا دوبار عصر ها و زمانهای به باد رفته تکرار نه شود.

استابلشمنت پاکستان دشمن مردم افغانستان بود، است، و زمان ثابت کرده و ثابت خواهد کرد که دشمن باقی خواهد ماند. دشمن و طرف قضیه نه خیر داده میتواند و صلح.

اگر شخصیت سیاسی افغان که گمان کند با سیاست خدمت به پاکستان در افغانستان و در بین مردم جای پای خواهد داشت، به یقین خطاء و به ملت افغان و اسلام جفا میکند و این تجربه را با وجود تکرار مکرر ما برای شان که ازین سیاست بگذرد، ادامه میدهد، که ثمره تلخ این سیاست پاکستانی را خواهد چشید، که در آن وقت برایش دیر خواهد بود.

بر ماست یک لحظه آرام نه نشسته حقایق و منطق آن را تا دیر نه شده عام و عامتر سازیم. متحدین طبیعی خود را به صورت طبیعی تشخیص نموده، ایشان را همکاری و در هر فرصت به تنویر لازم پرداخت. مخالفت با نهاد براندازی و سیستم براندازی به دان معنا اصلاً نیست که حاکمیت افغانی و نهادهای آن نوافق و خلا ها ندارند و یا درین بخش افغانستان گل و گلزار است و همه چیز اش درست است. نه چنین نیست و در این حاکمیت دهها نقص، خطای جدی تأسف بار وجود دارد که یکی از عوامل بنیادی و اساسی ادامه تراژیدی ملت افغان نیز است. به این مسایل باید به صورت دوامدار و جداگانه به صورت جدی پرداخت تا عوض عمیق شدن زخم های موجود به التیام رفت و مانع تراژیدی بیشتر برای ملت افغان و افغانستان شد و این ممکن است. حکام افغان لاید و باید انتقاد را مانند سرمایه با جبین باز استقبال کنند.

یک لحظه آرام نشستن گناه است و باید ادای رسالت کرد. بر ماست تا دست به دست هم داد و نه گذاشت کشتی ملت افغان غرق شود.

و ماعلینا الا البلاغ المبین
دوکتور صلاح الدین سعیدی
۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

02/11/2020